

زندگی دور از مادر



نسرین کوچولو لب‌های خشکش را در جستجوی شیر مادر جمع می‌کند و حالت مکیدن به خود می‌گیرد، اما تنها کسی که به سراغ او می‌آید، مریم جون از مهد کودک است.

جام جم آنلاین: نسرین کوچولو لب‌های خشکش را در جستجوی شیر مادر جمع می‌کند و حالت مکیدن به خود می‌گیرد، اما تنها کسی که به سراغ او می‌آید، مریم جون از مهد کودک است.

نسرین شش ماهه در کنار ده نوزاد دیگر در یکی از مهدهای کودک تهران نگهداری می‌شود.

مریم پرستار او می‌گوید: در این مهد کودک و همه مهدهای دیگر، کودکان شیرخوار زیادی هستند.

مادر در فراغ کودک

سهیلا وقتی شش ماه مرخصی بعد از زایمان را به پایان رسانده، ناچار است دوباره به اداره برگردد. او کارمند یک شرکت نیمه دولتی است و اگر بیش از این در مرخصی بماند، ممکن است کارش را از دست بدهد.

این مادر 30 ساله در مورد وضعیت خود می‌گوید: پسر کوچکی دارم که از هر حیث به من احتیاج دارد و هر طوری که برآورد می‌کنم، خانواده به درآمد من نیز احتیاج دارد. بحث استقلال مالی، استعداد شخصی و وظیفه اجتماعی به کنار، اگر خانه بمانم و او را بزرگ کنم، کم می‌آوریم. او آرزوی روزی را می‌کند که اشتغال برای مادران یک انتخاب آزادانه باشد نه یک ضرورت و یک زن بتواند تصمیم بگیرد در صورت بچه‌دار شدن به اشتغال ادامه دهد یا نه و حق بازگشت او بعد از به ثمر رساندن کودک محفوظ باشد.

سهیلا می‌گوید: وقتی شیر و سینه‌ام انباشته می‌شود، اشک در چشمم حلقه می‌زند و با خود می‌گویم کودکم گرسنه است. این برای من یک عذاب هر روزه است، اما چاره‌ای ندارم. دلم برایش تنگ می‌شود و با مهد کودک تماس می‌گیرم و می‌خواهم او را نزدیک گوشی تلفن بیاورند تا صدایش را بشنوم، اما اغلب این کار امکان ندارد.

بچه‌های اداری

اداری شدن برای یک نوزاد شش ماهه خیلی زود است. یک برنامه منظم خروج از منزل و ورود به محیط غربیه را بچه‌های شش هفت ساله هنگام ورود به مدرسه نیز بسادگی نمی‌پذیرند چه رسد به یک نوزاد شش ماهه.

صدیقه نظری، روان‌شناس کودک می‌گوید: وقتی کودک شش ماهه می‌شود هنوز به تماس بدنی و شنیدن صدای مادر و دیدن چهره آشنای او نیاز دارد. او به دنبال شیر از سینه او می‌گردد و این جدا از یک تغذیه سالم برای او یک نیاز عاطفی را برآورده می‌سازد.

اگر کودک در سنین غیرمناسب به مهدکودک فرستاده شود، حس طردشدگی و دوری از خانواده در او ایجاد شده و در شکل‌گیری شخصیت او تاثیر می‌گذارد. نوزادانی که به شیرخوارگاه مهد کودک سپرده می‌شوند، ممکن است عصبی و پرخاشجو شوند.

وی با تاکید بر ضرورت نگهداری کودک توسط مادر در خانواده تا دو سالگی می‌افزاید: اگر چنین امکانی فراهم نباشد، وجود مهد کودک در تمام ادارات می‌تواند به کودکان کمک کند که فضای مهد را راحت‌تر بپذیرند و هر از گاهی مادر خود را ملاقات کنند و کمتر احساس دوری و طردشدگی پیدا کنند.

مادرانی که چنین امکانی ندارند باید حتی‌المقدور فرزند خود را در خانواده نزد مادربزرگ یا پدربزرگ یا خاله و عمه بگذارند. اگر چنین حمایتی در خانواده وجود داشته باشد، به مراتب برای نوزاد بهتر از مهد کودک است.

روان‌شناسان معتقدند این بچه‌ها که در سنین شیرخوارگی از مادر جدا شده و به اردوگاهی به نام شیرخوارگاه سپرده می‌شوند، یک روز با لجبازی و عدم پذیرش والدین، انتقام این روزها را می‌گیرند.

همچنین تحقیقات نشان داده است کودکانی که بیش از 30 ساعت در هفته را در مهدکودک می‌گذرانند، در ناهنجاری‌های رفتاری

همچون جنگ و دعوا، بیرحمی، حمله و نیز رفتارهای نامناسبی چون جدال، پرتوقعی و پرحرفی نمره بیشتری می‌آورند و آموزگاران آمادگی و مادران این کودکان، از آنها به عنوان کودکان تهاجمی، بهانه‌گیر، نترس، دردسرافزین و افرادی که باید خواسته‌هایشان بسرعت عملی شود، یاد می‌کنند.

محققان هنوز نتوانسته‌اند دلیل این رفتارها را دقیقاً مشخص کنند اما برخی، علت مشکلات رفتاری این کودکان را خستگی والدین بر اثر کار و کم‌توجهی به کودک یا بی‌توجهی مسئولان مهدکودک‌ها عنوان می‌کنند.

امکاناتی برای مادران

اگر ضرورتی بر اشتغال مادر نباشد و در عین حال امکان اشتغال او در هر زمان ممکن باشد و زنی که شغل مادری را برمی‌گزیند، متضرر نشود بزرگ کردن فرزند خود را با هیچ چیز دیگر عوض نمی‌کند. به این منظور شایسته است برای تربیت فرزندان سالم، جامعه نیز به مادران کمک کند.

بی‌حد و حساب بودن برنامه کاری زنان و اشتیاق آنان به فعالیت‌های شغلی اگر کسالت‌بار، خسته‌کننده و فرساینده باشد، زنان و مادران خانواده شادابی و انرژی خود را که باید به زندگی خانوادگی اختصاص دهند، محدود می‌سازند و در نتیجه کیفیت زندگی خانوادگی آنها تحت تاثیر قرار می‌گیرد.

زهره محمدی، جامعه‌شناس معتقد است با توجه به گستردگی و ارزش مسوولیت‌ها و وظایفی که زنان خارج از تکالیف شرعی خود در خانه به عهده می‌گیرند و در اقتصاد خانواده و جامعه نیز نقش بسزایی دارند، جا دارد جامعه نیز امتیازاتی به آنان بدهد. زن شاغل که مادری نیز می‌کند و کارهای خانه را نیز انجام می‌دهد باید فرقی با مرد که موظف است کار کند و خرج خانه را تامین کند، داشته باشد.

اگر دولت یا قانون، ارزش زحمات مادران و حضور آنان را در خانواده دریابد هرچه زودتر برای امنیت شغلی آنان فکری می‌کند چنان‌که مادر بتواند انتخاب کند چه وقت کار را ترک کند و به فرزندانش رسیدگی کند و تحت شرایطی با عنوان ترک کار به ضرورت مادری وقتی مدارک لازم را ارائه دهد، دستگاه موظف به استخدام مجدد او باشد.

یعنی زنی که در اداره‌ای اشتغال دارد، اگر به ضرورت مادری آنجا را ترک کند، بتواند بعد از دو سه سال دوباره به سر کار خود یا کار دیگری در آن اداره که هم شأن کار قبلی‌اش باشد، بازگردد. این کار سبب می‌شود جای خالی بیشتری در ادارات باز شود و مادرانی که دوره ضروری مادری خود را طی کرده‌اند، جای مادران جدید را بگیرند.

گسترش مهدهای کودک‌اداری و تشکیل انجمن حمایت از مادران شاغل نیز می‌تواند به این قشر کمک کند. امکان دورکاری و ساعت کاری شناور و نیمه وقت از سایر امکاناتی است که قانون می‌تواند در اختیار مادران شاغل بگذارد.

مسوولان باید بدانند در این زمینه هر کاری که انجام دهند برای ارتقای خانواده و سلامت آن انجام داده‌اند و به نوعی این کار تکریم مادری و خانه‌داری است. (جام جم - ضمیمه چارادیواری)

زهره زیارتی